

حضرت آیت الله عظمی طالقانی ضمن تبریک قلبی به پیشگاه زعیم عالیقدر و رهبر جنبش ملی ایران حضرت آیت الله عظمی نایب الامام خمینی نظر آن مجاهد بزرگ را به عرایض زیر مغفوف مینمایم :

۱- در مصاحبه مطبوعاتی که در تاریخ ۵۷/۱۲/۱ از سیماي انقلاب ایران پخش شد و راجع به ارتش سوال شد حضرت عالی بدون در نظر گرفتن جنبه های عاطفی و انسانی که در بین انصران و درجه داران و سربازان ارتش وجود داشته همه را بایک چوب راندید که این عادلانه نیست .

۲- اگر در سازمان ارتش چند درصدی بودند که بخاطر مقام و مادیات به مغنویات پشت پا زده و بصورت يك پست پرست درآمده بودند و بهمین منظور پرسنل شریف و وطن پرست ارتش را به یوق استخفاف کشیده بودند و در آخرین لحظات هم بجای همبستگی با ملت به يك خیانت بزرگ دیگر بر علیه ملت مسلمان ایران دست زدند و آن گشایش اسلحه خانه ها و تسلیحات بروی مردم بود که عمگی مسلح شوند و هن و سن راه بیافتند تا شاید بسود خود بهره برداری کنند و حیل و خدعه آنها نیز بکام پروردگار بزرگ و رهبری آیات اعظام خنثی گردید .

۳- بودند انصران و درجه دارانیکه جان در کف بگسواهی ملت مجاهد در همان دوره اختناق فشار طناب دار را برگردن و شلیک جوخه اعدام را بر سینه خود حس میکردند ولی تا حد توانائی چه از نظر مادی و چه از نظر مغنوی در جهت پیشبرد نهضت عظیم ایران جان فشانی میکردند و از هیچ گونه کمکی دریغ نوزیدند .

۴- وقتی میفرمائید ارتشیکه با آن همه سلایق نتوانست چند ساعت در مقابل یورش مردم تاب بیاورد مگر ارتشیا که میخواست بجنگد و مگر نه اینکه ارتشیان از این ملت بودند و نمیخواستند برادران و خاهران و پدر و مادر و سایر بستگان خود را به رگبار نیندند آیا خود را در مقابل يك کشور بیگانه میدیدند که تاب نیاوردند که مستحق اینگونه بی مهری و ظمن و لظمن باشند و احساسات يك عده وطن پرست واقعی که آرزوی به جز ایرانی آباد و سربلند نداشتند این چنین لج سن مال گردد .

۵- استدعای من از حضرت آیت الله عظمی اینست که حساب سربازان از جان گذشته میهن را با يك مشت خائن و دین و میهن جدا نماید البته این عرایض برای این نیست که کسی فکر کند در این موضع حساس منبهم مثل دیگران بطرح مقام میباشم من سربازم و در هر کجای ایران و هر شغلی باشم برای سربلندی میهن جان در کف آماده ام .

با تقدیم احترام ، سروان توخانه ایس شهسازي

شماره
۵۷، ۱۲، ۲

قرابند